

متن آهنگ کرمانجی شوان (چوپان) محسن میرزازاده

Dêxistina Stranê Kurmancî Ji Muhsin Mîrzazadeh Ve Navê Şêvan

متن آهنگ شوان

سرگانیان جایلِه جیان و کَنیان
چوله هشین مَقَل دُون، گریبه میان
دایگا شیوین ، نان دبیژِه اَخینه سا خا ... آویژِه
لَه قطارن دیسا
بارَه بارن دیسا
لَه لو له لو له لو

دستی ته خاده جان ، تا له کارن
گُل له سر کیمران ، و هزارن
او له سر گانیان دا زَلاله
خاشیا خَلگا مه بی زواله

وه لنگی ته ، چارُق بیڤاو ، دندوره داو آی شیوان... آی شیوان!
ژه واری خا ، دور نَکوی ، زَلَه نَوی آی شیوان... آی شیوان!
دایگا شیوین نان دَبیژِه اَخینه ساخا.. آویژِه له لو له لو له لو

وَر شوان دیسا ، بَرَو گینان
زَحمتا ته گینان اَنیه بینان
وَره وَره وره ، له کامایی
ساته چای دم گِمه، وستییایی

« چوپان »

بر سر چشمه، جوانان کوهستان، خنده رو به قطار ایستاده‌اند.
بر دامنه‌های سرسبز ، گله گوسفندان به استراحت نشسته است. سر و صدای گوسفندان به راه است.
مادر چوپان نان می‌پزد و زیر لب با خود زمزمه میکند:
خدای من! تا دست مهربانی تو در کار است،
کوه و دامنه‌های آن پوشیده از هزاران هزار گل خواهد شد.
همچنان که آب چشمه‌هایمان هم زلال است.
خوشی این مردمان از کرم و محبت تو بی‌زوال خواهد بود.
آهای چوپان! چاروق و پاتاوه‌ات بر پای است، آفتاب ظهر هم مانند تنور داغ شده.
از سرزمین خود دور نیفتی به دلیل خستگی و گرمای هوا.
مادر چوپان نان می‌پزد و زیر لب با خود زمزمه میکند:
بیا چوپان به سمت سیاه چادرها.
تو زندگی بخشیده‌ای به عشیره‌ات.
بیا ...!
بیا دیگر، کجا مانده‌ای؟
بیا ... خسته‌ای برایت چایی دم کنم.

تنظیم: مسعود مفیدی / شاعر: صادق آدینه

گردآوری فایل: جواد مالدار

اسفندماه ۱۳۹۵ مشهد

منبع: اینترنت

تنظیم فایل: برای www.septem.ir